

میکنند غلبه نمایند و شیوه دموکراتیک کار را تشویق کنند که عبارت است از مشورت با مردم غیر حزبی و جلب موافقت اکثریت پیش از اقدام به عمل . در عین حال باید با تمام قوا مردم غیر حزبی را ترغیب نمود که نظرات خود را در مسایل مختلف ابراز دارند . باید دقیقاً به توصیه‌های آنها گوش‌فرا داشت . هرگز نباید تصور کرد که چون ارتش و قدرت سیاسی در دست ماست ، ما میتوانیم تصمیمات خود را بی قید و شرط بقبولانیم و بدین ترتیب از این کوشش باز ایستیم که مردم غیر حزبی را به نظریات خود جلب کنیم تا آنها با رغبت و از دل و جان این نظریات را به مرحله اجرا درآورند .

۱ - ارقام فوق مربوط به توزیع جاها در ارگانهای قدرت سیاسی یک نسبت تقریبی است که باید آنها در هر محل برحسب شرایط خاص آن بکار برد ، نباید بطور مکانیکی آنها مراعات کرد . در پائین‌ترین ارگانها این نسبت میتواند اندکی تغییر کند تا از ورود مالکان ارضی و مستبدین محلی و متنفذین شریر به ارگانهای قدرت جلوگیری شود . در نقاطی که این ارگانها مدتهاست ایجاد گشته‌اند مانند منطقه مرزی شان سی - چاهار - حه به ، منطقه مرکزی حه به ، منطقه کوهستانی تاي هان و منطقه جنوبی حه به باید سیاست خود را در پرتو این اصل از نو مورد بررسی قرار داد . این اصل را هر بار که ارگان جدید قدرت سیاسی برقرار میگردد باید مراعات نمود .

۱۱ - سیاست جبهه متحد ضد ژاپنی در مورد انتخابات باید عبارت از آن باشد که به هر فرد چینی که به سن هجده رسیده و هوادار جنگ مقاومت ضد ژاپنی و دموکراسی است ، صرف نظر از تعلق طبقاتی ، ملیت ، مرد و زن ، معتقدات ، تعلق حزبی و سطح فرهنگ او ، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داده شود . ارگانهای قدرت سیاسی جبهه متحد ضد ژاپنی

باید از طرف مردم انتخاب شوند . شکل تشکیلاتی آنها باید بر اصل سانترالیسم دموکراتیک باشد .

۱۲ - پایه اساسی اتخاذ تدابیر مهم سیاسی در ارگانهای قدرت سیاسی جبهه متحد ضد ژاپنی باید عبارت باشد از مبارزه با امپریالیسم ژاپن ، دفاع از مردم هوادار مقاومت ضد ژاپنی ، جرح و تعدیل منافع کلیه قشرهای اجتماعی هوادار مقاومت ضد ژاپنی ، بهبود شرایط زندگی کارگران و دهقانان و سرکوب خائنین بملت و مرتجعین .

۱۳ - از مردم غیر حزبی که در ارگانهای قدرت سیاسی ما بکار مشغول اند نباید خواست که مانند کمونیستها زندگی کنند ، حرف بزنند و عمل کنند ؛ در غیر اینصورت ممکن است در آنها احساس عدم رضایت و ناراحتی پیدا شود .

۱۴ - تمام بوروهای منطقه‌ای کمیته مرکزی ، تمام شعبات بوروهای کمیته مرکزی ، تمام کمیته‌های حزبی در مناطق مختلف و تمام سران واحدهای ارتشی بدینوسیله مکلف میشوند که در باره این رهنمود توضیحات کامل به اعضای حزب بدهند و اطمینان حاصل کنند که این رهنمود بطور کامل در کار ارگانهای قدرت سیاسی مورد اجرا درآید .

مسایل تاکتیک کنونی در جبهه متحد ضد ژاپنی

(۱۱ مارس ۱۹۴۰)

۱ - اکنون وضع سیاسی از این قرار است : الف - امپریالیسم ژاپن در جنگ مقاومت ضد ژاپنی چین ضربات سنگینی خورده است و دیگر آن نیرو را ندارد که به تعرض نظامی پر دامنه تازه دست بزند ، بدین ترتیب مرحله تعادل استراتژیک در وضعیت طرفین فرا رسیده است ؛ معدنك دشمن مانند سابق سیاست اصلی خود را که مبنی بر انقیاد چین است لاجوجانه ادامه میدهد ، از این راه که بر جبهه متحد ضد ژاپنی تیشه میزند ، در پشت جبهه خویش به "عملیات امحائی" مبادرت میجوید و تجاوز اقتصادی خود را تشدید میکند . ب - مواضع انگلستان و فرانسه در شرق در اثر جنگ اروپا ضعیف شده است و آمریکا همچنان به سیاست "پر روی فراز کوه نشستن و نبرد ببرها را تماشا کردن" ادامه میدهد . از اینجهت عجزاً امکان تشکیل کنفرانس مونیخ خاور منتفی است . ج - سیاست خارجی اتحاد شوروی به پیروزی های نوینی نائل آمده است ، و اتحاد شوروی همچنان سیاست خود را مبنی بر کمک

متن حاضر تزهائی است که رفیق مائو سه دون برای گزارش در جلسه کادرهای رهبری بالای حزب در پین ان نوشت .

نکات چین در جنگ مقاومت دنبال میکند . د - آن گروه از بورژوازی بزرگ که هوادار ژاپن میباشد مدتهاست که بطور قطع به تسلیم در برابر ژاپن کردن نهاده است و تدارك می بیند که حکومتی پوشالی بوجود آورد . اما آن گروه از بورژوازی بزرگ که سمت گیری اروپائی - آمریکائی دارد هنوز میتواند به مقاومت علیه ژاپن ادامه دهد ، معذک تمایلات سازشکارانه او مانند سابق بطور جدی موجود است . او سیاست دوگانه ای در پیش میگیرد : از يك سو هنوز مایل است که باتفاق نیروهای مختلفی که در خارج از گومیندان اند با تجاوزکاران ژاپنی مبارزه کند و از سوی دیگر همه گونه باین نیروها و بویژه به حزب کمونیست و نیروهای مترقی تیشه میزند . گروه مذکور همان سرسختان در جبهه متحد ضد ژاپنی است . ه - نیروهای بینایی عبارت اند از بورژوازی متوسط ، متنفذین روشن بین و گروههایی که در محل صاحب قدرت اند . اینها بعلت اینکه هم با نیروهای عمده حکومت مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ و هم با طبقات کارگر و دهقان در تضادند عادتاً مواضعی بیطرفی بین نیروهای مترقی و سرسختان اختیار میکنند . اینها گروه بینایی در جبهه متحد ضد ژاپنی هستند . و - نیروهای مترقی پرولتاریا ، دهقانان و خرده بورژوازی شهری برهبری حزب کمونیست در دوره اخیر رشد بسیار یافته و علی الاصول هم اکنون پایگاههایی بوجود آورده اند که قدرت دموکراتیک ضد ژاپنی در آنجاها برقرار است . نفوذ این نیروها در کارگران ، دهقانان و خرده بورژوازی شهری سراسر کشور بسیار زیاد است و در نیروهای بینایی هم قابل توجه است . اینک در صحنه عملیات جنگی ، تعداد سپاهیان تجاوزکار ژاپن که حزب کمونیست با آنها در نبرد است تقریباً برابر سپاهیمانی است که گومیندان با آنها سروکار دارد . این نیروها جناح مترقی جبهه متحد ضد ژاپنی را تشکیل میدهند .

چنین است وضع سیاسی کنونی چین ، در چنین شرایطی امکان اینکه تحولی بسوی بهتر شدن وضع ایجاد شود و از تحولی بسوی بدتر شدن وضع جلوگیری بعمل آید هنوز وجود دارد و تصمیم کمیته مرکزی حزب بتاريخ اول فوریه کاملاً درست بوده است .

۲ - شرط اصلی پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی عبارتست از توسعه و تحکیم جبهه متحد ضد ژاپنی . برای نیل باین هدف باید تاکتیک توسعه نیروهای مترقی ، جلب نیروهای بینابینی و مبارزه با نیروهای سرسخت را در پیش گرفت ؛ اینها سه حلقه ناگسستنی است و وسیله اتحاد همه نیروهای هوادار مقاومت علیه ژاپن عبارتست از مبارزه . در دوران جبهه متحد ضد ژاپنی ، مبارزه وسیله اتحاد است و اتحاد هدف مبارزه است . اگر بوسیله مبارزه باتحاد نائل آئیم ، این اتحاد دوام خواهد یافت و اگر بوسیله گذشت بان نائل آئیم زوال خواهد یافت ؛ رفقای حزبی ما این حقیقت را بتدریج در می یابند . ولی هنوز بسیاری هستند که آنرا درک نکرده اند ؛ آنها یا می پندارند که مبارزه ممکن است موجب انشعاب جبهه متحد شود ، یا تصور میکنند که این وسیله ، یعنی مبارزه را بدون هیچ محدودیتی میتوان بکار برد ، یا اینکه آنها در مورد نیروهای بینابینی تاکتیک نادرستی در پیش میگیرند ، یا اینکه تصور نادرستی از نیروهای سرسخت دارند . باید همه اینها را رفع کرد .

۳ - توسعه نیروهای مترقی عبارتست از گسترش نیروهای پرولتاریا ، طبقه دهقان و خرده بورژوازی شهری ، عبارتست از توسعه جسورانه ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید ، عبارتست از ایجاد پایگاه دموکراتیک ضد ژاپنی در مقیاس وسیع ، عبارتست از گسترش سازمانهای حزب کمونیست به سراسر کشور ، عبارتست از بسط جنبش توده ای کارگران ، دهقانان ،

جوانان ، زنان ، کودکان و غیره در مقیاس کشور ، عبارتست از جلب همه روشنفکران کشور ، عبارتست از بسط و توسعه جنبش بخاطر رژیم مشروطه در میان توده‌های وسیع بمثابه مبارزه‌ای جهت دموکراسی . فقط با گسترش تدریجی نیروهای مترقی میتوان از تحول بسوی بدتر شدن اوضاع جلوگیری ، مانع تسلیم‌طلبی و انشعاب شد ، پایه بی‌تزلزل پیروزی مقاومت علیه ژاپن را ریخت . ولی توسعه نیروهای مترقی ، یک پروسه مبارزه جدی را ایجاب میکند ، نه فقط باید با امپریالیستهای ژاپن و خائنین بملت بلکه همچنین باید با سرسختان به مبارزه بیرحمانه پرداخت . زیرا که سرسختان با توسعه نیروهای مترقی مخالفت میورزند و نیروهای بینابینی در این مورد مترددند . بدون مبارزه قاطع با سرسختان و بدون کاسیابی‌های واقعی در این مبارزه نمیتوان بر فشار سرسختان فایق آمد و همچنین نمیتوان بر تردد نیروهای بینابینی غلبه کرد و در آن صورت برای نیروهای مترقی امکان رشد نخواهد بود .

۴ - جلب نیروهای بینابینی عبارتست از جلب بورژوازی متوسط ، متنفذین روشن‌بین و گروه‌هایی که در محل صاحب قدرت اند . این سه گروه با یکدیگر تفاوت دارند ، ولی همه آنها در اوضاع کنونی در شمار نیروهای بینابینی میباشند . منظور از بورژوازی متوسط ، بورژوازی ملی است که در مقوله کمپرادورها یعنی بورژوازی بزرگ وارد نمیشود . بورژوازی متوسط اگرچه با کارگران تضاد طبقاتی دارد و با استقلال طبقه کارگر بچشم انکار مینگرد ، معذک در مناطق اشغالی امپریالیستهای ژاپن از یوغ آنها رنج میبرد و در مناطق تحت سلطه گومیندان از طرف مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ در فشار است و از اینجهت هنوز خواهان مبارزه بر علیه ژاپن است و میخواهد اختیارات سیاسی را بدست خویش گیرد .

بورژوازی متوسط در مسئله مقاومت علیه ژاپن ، هوادار اتحاد بخاطر مقاومت است و در مسئله کسب اختیارات سیاسی خود ، از جنبش بخاطر رژیم مشروطه پشتیبانی میکند و در عین حال میکوشد تضادهای میان نیروهای مترقی و سرسختان را برای نیل به هدفهای خویش مورد استفاده قرار دهد .

بر ما لازم است که این قشر را بسوی خود جلب کنیم . متنفذین روشن بین ، جناح چپ طبقه مالکان ارضی یعنی مالکانی هستند که رنگ بورژوائی بخود گرفته اند ، و مواضع سیاسی آنها علی الاصول شبیه مواضع بورژوازی متوسط است . آنها با دهقانان تضاد طبقاتی دارند ولی بین آنها و مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ هم تضاد هست . آنها مخالف سرسختان اند ، ولی آنها نیز میخواهند تضادهای میان ما و سرسختان را برای نیل به هدفهای سیاسی خودشان مورد استفاده قرار دهند . این گروه را نیز ما هرگز نباید از دیده فروگذاریم ، و سیاست ما باید در آن جهت باشد که آنها را جلب کنیم .

گروههایی که در محل صاحب قدرت اند بر دو گونه اند : یکی نیروهائی که سرزمین هائی را بطور دائم در اختیار دارند و دیگر قوای نظامی "ملغمه" که فاقد چنین سرزمین هائی میباشند . آنها گرچه با نیروهای مترقی تضاد دارند ولی در عین حال با دولت مرکزی کنونی گومیندان هم که سیاست تأمین منافع خویش بحساب دیگران را تعقیب میکند در تضاد اند ، آنها نیز میکوشند تضادهای میان ما و سرسختان را برای نیل به هدفهای سیاسی خودشان مورد استفاده قرار دهند . سران گروههایی که در محل صاحب قدرت اند ، نیز اکثراً در شمار مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ اند . از اینجهت اگرچه گاهگاهی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی تمایلات ترقیخواهانه ای نشان میدهند اما بزودی دوباره در مواضع ارتجاعی خویش می افتند ؛ معذک از آنجا که این گروهها با مقامات مرکزی

گومیندان تضادهائی دارند ، اگر ما سیاست صحیحی بکار بریم ، ممکن است در موقع مبارزه ما با سرسختان بیطرفی اختیار کنند . سیاست ما در آن جهت است که همه این سه گروه نیروهای بینایی را بسوی خود جلب کنیم . اما این سیاست نه فقط با سیاستی که ما در جلب دهقانان و خرده بورژوازی شهری بکار میبریم تفاوت دارد بلکه در مورد هر يك از این سه گروه نیروهای بینایی نیز بطور متفاوت عملی میگردد . ما دهقانان و خرده بورژوازی شهری را بمثابه متحد اصلی ، و نیروهای بینایی را فقط بمثابه متحد در مبارزه بر علیه امپریالیسم بسوی خود جلب میکنیم . در میان نیروهای بینایی ، بورژوازی متوسط و متنفذین روشن بین میتوانند باتفاق ما علیه ژاپن مبارزه کنند و همچنین در ایجاد قدرت دموکراتیک ضد ژاپنی شرکت جویند ، ولی آنها از انقلاب ارضی میترسند . در مبارزه با سرسختان ، بعضی از آنها ممکن است تا حدود معینی شرکت جویند ، بعضی دیگر ممکن است بیطرفی خیرخواهانه اختیار کنند ، و بعضی دیگر فقط ممکن است بیطرفی اجباری اختیار کنند . گروههایی که در محل صاحب قدرت اند بغیر از اینکه باتفاق ما علیه ژاپن میجنگند در مبارزه ما با سرسختان فقط ممکن است در موضع بیطرفی موقت قرار گیرند ؛ آنها مایل نیستند با ما حکومت دموکراتیک ایجاد کنند زیرا که خودشان در شمار مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ اند . نیروهای بینایی باسانی متزلزل میشوند و بیشک در صفوف آنها قشر بندی روی خواهد داد ؛ از اینجهت ما باید تزلزلات آنها را چنانکه باید و شاید مورد انتقاد قرار دهیم و در اقناع آنها بکوشیم .

وظیفه فوق العاده مهم ما در دوران جبهه متحد ضد ژاپنی عبارتست از جلب نیروهای بینایی ، ولی انجام این وظیفه فقط در شرایط معینی میسر است . شرایط مذکور چنین است : الف - وجود نیروهای کافی در نزد ما ؛

ب - مراعات منافع نیروهای بینابینی ؛ ج - مبارزه قاطع ما بر علیه سرسختان، مبارزه‌ای که باید قدم قدم به پیروزی بینجامد. در صورت فقدان این شرایط، نیروهای بینابینی ممکن است متزلزل شوند و یا حتی در حملات سرسختان بما به متحد آنها مبدل شوند ؛ زیرا که سرسختان نیز تمام مساعی خویش را در جلب نیروهای بینابینی بکار می‌اندازند تا باین طریق ما را منفرد سازند. نیروهای بینابینی در چین وزن زیادی دارند و غالباً میتوانند در تعیین پیروزی یا شکست در مبارزه ما با سرسختان نقش قاطع بازی کنند، از اینجهت باید در مورد آنها روش بسیار احتیاط‌آمیز در پیش گرفت.

ه - نیروی سرسختان در زمان حاضر عبارتست از نیروی مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ. اینک طبقات مذکور به دو گروه تقسیم میشوند : تسلیم‌طلبان در برابر ژاپن و هواداران مقاومت علیه ژاپن ؛ در آینده در میان آنها تدریجاً قشر بندی‌های دیگری هم صورت خواهد گرفت. هم اکنون در میان بورژوازی بزرگ، گروه هواداران مقاومت علیه ژاپن با گروه تسلیم‌طلبان در برابر ژاپن تفاوت دارد. گروه نخستین سیاست دوگانه را اتخاذ میکند ؛ از یک سو هنوز هوادار اتحاد بخاطر مقاومت علیه ژاپن است و از سوی دیگر سیاستی بسیار ارتجاعی سرکوب نیروهای مترقی را در پیش گرفته است، و باین طریق تسلیم شدن آینده را زمینه می‌چیند. از آنجا که این گروه هنوز به اتحاد بخاطر مقاومت علیه ژاپن گرایش نشان میدهد هنوز این امکان برای ما وجود دارد که او را در درون جبهه متحد ضد ژاپنی نگهداریم، و هر چه بیشتر بتوانیم نگهداریم بهتر است. نادیده گرفتن سیاست ما مبنی بر جلب این گروه، از نظر فرو گذاشتن سیاست همکاری با این گروه، در نظر گرفتن این گروه بمثابه تسلیم شدگانی که از امروز تا فردا بجنگ ضد کمونیستی آغاز خواهند کرد، خطاست. ولی از سوی دیگر، لازم است که

ما در مبارزه تاکتیک دفع سیاست ارتجاعی او را در پیش گیریم و بمبارزه قاطع ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی بر ضد او دست بزنیم زیرا که این گروه در سراسر کشور بطور عموم سیاست ارتجاعی سرکوب نیروهای مترقی را در پیش گرفته است، برنامه مشترک یعنی سه اصل انقلابی خلق را اجرا نمیکند، بلکه برعکس، از اجرای آن بوسیله ما لجوجانه ممانعت میورزد، مصممانه مخالفت میکند که ما از دایره‌های که او مجاز شمرده‌است پا فراتر بگذاریم یعنی فقط این اندازه بما اجازه میدهد که مانند خود او بطور پاسیو به جنگ مقاومت مشغول باشیم، بعلاوه میکوشد که ما را با خود یکسان کند و چون ما باین کار تن در نمیدهیم باعمال فشار ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی بر ما میپردازد. اینست سیاست انقلابی دوگانه ما در برابر سیاست دوگانه سرسختان، اینست سیاست اتحاد از راه مبارزه. اگر ما در زمینه ایدئولوژیک بتوانیم تئوری صحیح انقلابی به پیش آوریم و با دستیاری آن بر تئوری‌های ضد انقلابی سرسختان ضربه قاطع وارد سازیم، اگر در سیاست تدابیر تاکتیکی‌ای را که پاسخگوی مقتضیات لحظه حاضر است بموقع اجرا بگذاریم و بر سیاست آنها که مبتنی بر مبارزه با حزب کمونیست، مبارزه با ترقی است ضربه قاطع بزنیم، اگر اقدامات نظامی بایسته‌ای بعمل آوریم و بر تعرض نظامی آنها ضربه قاطع بکوییم، در آن صورت امکان خواهیم یافت دامنه فعالیت ارتجاعی آنها را محدود سازیم، آنها را واداریم که موقعیت نیروهای مترقی را بشناسند، خواهیم توانست نیروهای مترقی را گسترش دهیم، نیروهای بینایینی را جلب کنیم و سرسختان را منفرد سازیم. در عین حال امکان خواهیم یافت آن سرسختانی را که هنوز هوادار جنگ مقاومت‌اند بسوی خود جلب کنیم، بقاء آنها را در جبهه متحد ضد ژاپنی طولانی‌تر گردانیم و از جنگ بزرگ داخلی، نظیر آنکه در گذشته رخ داد احتراز

جوئیم . از اینجهت در دوران جبهه متحد ضد ژاپنی ، مبارزه ما با سرسختان نه فقط بمنظور دفاع در برابر تعرض آنها ، دفاع بخاطر پاسداری نیروهای مترقی از تحمل تلفات و بخاطر تأمین گسترش بیشتر این نیروها است بلکه در عین حال بمنظور تمدید مقاومت سرسختان در برابر تجاوز ژاپن و همچنین بمنظور حفظ همکاری ما با سرسختان و بخاطر احتراز از جنگ داخلی پردامنه جدید میباشد . اگر ما این مبارزه را در پیش نگیریم ، ممکن است نیروهای مترقی بدست سرسختان نابود گردند ، جبهه متحد ممکن نیست دیگر وجود داشته باشد ، مانعی که نمیگذارد سرسختان بدشمن تسلیم شوند از میان میرود ، و ممکن است جنگ داخلی برانگیخته گردد . پس مبارزه با سرسختان ، وسیله ضروری اتحاد کلیه نیروهائی است که هوادار مقاومت ضد ژاپنی اند ، وسیله ضروری نیل به ایجاد تحول مساعدی در وضع حاضر و جلوگیری از جنگ داخلی پردامنه است . این حقیقت را همه تجربه ما تأیید میکند .

اما در دوران جبهه متحد ضد ژاپنی در مبارزه با سرسختان باید اصول زیرین را مراعات کرد . اول اصل دفاع از خود . تا زمانیکه دیگران بما حمله نکنند ، ما بدیگران حمله نمیکنیم ؛ چنانچه دیگران بما حمله کنند ، ما مسلماً به آنها پاسخ خواهیم داد . این بیان معنی است که بهیچوجه نباید بدون دلیل در حمله پیشقدم شد ، اما در عین حال هیچ ضربه‌ای را نباید بدون جواب گذاشت . اینست خصلت دفاعی مبارزه ما . هر بار که سرسختان به حملات نظامی دست زنند ما باید آنها را با قطعیت ، از بیخ و بن و تام و تمام نابود سازیم . دوم اصل پیروزی . یا نباید نبرد کرد یا اگر نبرد کردیم ، باید پیروز شویم ، در هیچ حالی نباید نسنجیده ، بدون تدارك و بدون اطمینان به پیروزی به نبرد رفت . ما باید بتوانیم از تضادهای میان

سرسختان استفاده کنیم . ما باید در درجه اول مرتجعترین آنها را بگوییم نه همه آنها را با هم . اینست خصلت محدودیت نبردهای ما با دشمن . سوم اصل متارکه . در دوره معین و قتیکه تعرض سرسختان درهم شکسته شده است و هنوز به تعرض جدیدی مبادرت نجسته اند ، ما باید بموقع متوقف شویم و بان نبرد مشخص خاتمه دهیم . دوره متعاقب این توقف برای هر دو طرف دوره متارکه است . در این دوره ما باید بابتکار خود با سرسختان دوباره اتحاد وارد مذاکره شویم و اگر بپذیرند با آنها قرارداد صلح منعقد کنیم . بهیچوجه نباید بی انتها نبرد کرد ، هر روز و هر ساعت نبرد کرد ، نباید به سرگیجه از پیروزی دچار شد . اینست خصلت موقتی هر يك از نبردهای ما . فقط آنکه که سرسختان تعرض خود را از سر بگیرند ما دوباره بآنها با نبرد پاسخ خواهیم گفت . این سه اصل را میتوان بعبارت دیگر در سه کلمه بیان کرد : ”حق داشتن“ ، ”سود جستن“ و ”اندازه نگهداشتن“ . ما با مبارزه سرسخت که براین اصول سگانه — حق داشتن و سود جستن و اندازه نگهداشتن — متکی باشد خواهیم توانست نیروهای مترقی را گسترش دهیم ، نیروهای بینابینی را جلب کنیم و سرسختان را منفرد سازیم تا آنکه سرسختان دیگر جرأت نکنند سبکسرانه به حمله بر ما ، به سازش با دشمن و به برانگیختن جنگ بزرگ داخلی دست زنند . در آن صورت امکان خواهیم یافت تحول مساعدی در اوضاع ایجاد کنیم .

۶ - گومیندان حزبی است که ترکیب کاملاً نامتجانسی دارد ، هم سرسختان و هم نیروهای بینابینی و هم نیروهای مترقی در آن واردند ؛ نمیتوان گومیندان را در مجموع خود در جزو سرسختان بشمار آورد . از آنجا که کمیته اجرایی مرکزی گومیندان بصورت دستورهای ضد انقلابی نظیر «تدابیر بمنظور تحدید فعالیت احزاب بیگانه» که برانگیزنده اصطکاکات اند مبادرت میجوید

و همه نیروهای خویش را در راه هدف‌های ضد انقلابی بمنظور برانگیختن اصطکاکات ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی در سراسر کشور بسیج میکنند، بعضی‌ها باین عقیده رسیده‌اند که مجموعه گومیندان از سرسختان تشکیل میشود. این نظری اشتباه‌آمیز است. سرسختان هنوز در گومیندان مقامی در دست دارند که سیاست حزب خویش را تعیین میکنند ولی فقط اقلیتی از گومیندان را تشکیل میدهند، اکثریت عظیم اعضاء گومیندان (بسیاری از آنها فقط اسماً عضو حزب هستند) را نباید حتماً در شمار سرسختان آورد. این نکته را باید دقیقاً دریافت، فقط در آنصورت میتوان تضادهای درون گومیندان را مورد استفاده قرار داد، سیاست متفاوت در مورد هر یک از گروههای درونی آن در پیش گرفت و تمام قوای خود را برای اتحاد با گروه‌های پینایینی و مترقی آن بکار انداخت.

v — در مسئله ایجاد قدرت سیاسی در مناطق پایگاهی ضد ژاپنی باید تصریح کرد که قدرت مذکور قدرت جبهه متحد ملی ضد ژاپنی است. چنین قدرتی هنوز در مناطق تحت سلطه گومیندان وجود ندارد. این قدرت عبارتست از قدرت همه کسانی که هوادار جنگ مقاومت ضد ژاپنی و هوادار دموکراسی هستند، یعنی دیکتاتوری مشترک دموکراتیک طبقات انقلابی بر ضد خائنان بملت و مرتجعان. این قدرت با دیکتاتوری مالکان ارضی و بورژوازی تفاوت دارد ولی از برخی از جهات با دیکتاتوری دموکراتیک کارگران و دهقانان، بمعنای محدود این اصطلاح، نیز متفاوت است. ترکیب ارگانهای این قدرت باید چنین باشد: کمونیست‌ها یک سوم جاها را اشغال میکنند و نمایندگان پرولتاریا و دهقانان فقیراند؛ عناصر متوقی چپ نیز یک سوم جاها را اشغال میکنند و نمایندگان خرده بورژوازی‌اند؛ یک سوم دیگر را عناصر پینایینی و سایر عناصر اشغال میکنند و نمایندگان بورژوازی متوسط

و متنفذین روشن بین اند . فقط خائشان بملت و عناصر ضد کمونیست حق شرکت در این ارگانها ندارند . تعیین چنین نسبت تقریبی ضروری است ، چه در غیر اینصورت نمیتوان تضمین کرد که قدرت مذکور از لحاظ خصلت خود ، قدرت جبهه متحد ملی ضد ژاپنی باشد . چنین سیاست درباره ترکیب ارگانهای قدرت سیاست واقعی حزب ما است و باید بطور شایسته و نه مرسوری بموقع اجرا درآید . ولی این فقط یک نسبت تقریبی است و برای بکار بردن آن باید طبق شرایط مشخص عمل کرد ، نباید بطور مکانیکی تابع این ارقام شد . در پائین ترین ارگانها شاید لازم آید که در این ترکیب تغییری داده شود تا آنکه مستبدین محلی ، متنفذین شریر و مالکان ارضی نتوانند ارگانهای قدرت را بدست خود گیرند ، اما روح اصلی این سیاست نباید نقض شود . در مورد غیر کمونیست هائی که در ارگانهای قدرت جبهه متحد ملی ضد ژاپنی شرکت میکنند ، باید از اینکه عضو حزبی یا گروهی باشند یا نباشند و یا کدام حزب یا گروه باشند ، صرف نظر کرد . در مناطق قدرت جبهه متحد ضد ژاپنی هر حزبی و هر گروهی - اعم از گومیندان یا حزب دیگر - همیشه که با حزب کمونیست مخالفت نورزد و با آن همکاری کند باید حق موجودیت قانونی داشته باشد . سیاست جبهه متحد ضد ژاپنی در مسئله انتخابات ارگانهای قدرت باید عبارت از آن باشد که به هر فرد چینی که به سن هیجده سالگی رسیده است و هوادار مقاومت ضد ژاپنی و هوادار دموکراسی است ، صرف نظر از تعلق طبقاتی ، ملیت ، تعلق حزبی ، مرد یا زن ، معتقدات و سطح فرهنگ او ، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داده شود . تشکیل ارگانهای قدرت جبهه متحد ضد ژاپنی باید از طریق انتخاب اهالی و سپس مراجعه به دولت ملی برای تأیید انتخاب شدگان صورت گیرد . شکل تشکیلاتی ارگانهای قدرت باید مبتنی بر

اصل سانترالیسم دموکراتیک باشد. پایه اساسی اتخاذ تدابیر مهم سیاسی در ارگانهای قدرت جبهه متحد ضد ژاپنی باید عبارت باشد از مبارزه با امپریالیسم ژاپن و خائنان مسلم بملت و مرتجعان، دفاع از مردم هوادار مقاومت ضد ژاپنی، جرح و تعدیل منافع کلیه قشرهای اجتماعی هوادار مقاومت ضد ژاپنی و بهبود شرایط زندگی کارگران و دهقانان. تشکیل این گونه ارگانهای قدرت جبهه متحد ضد ژاپنی در سراسر کشور تأثیر بسیار خواهد بخشید و سر مشقی خواهد بود برای سازمان دادن قدرت سیاسی جبهه متحد ضد ژاپنی در سراسر کشور. از اینجهت لازم است که همه اعضای حزب ما عمیقاً بر آن وقوف یابند و اصول مشروح در فوق را با قطعیت بعمل در آورند.

۸ - در مبارزه برای توسعه نیروهای مترقی، جلب نیروهای بینایینی و منفرد ساختن سرسختان نباید نقش روشنفکران را از دیده فرو گذاشت، بویژه که سرسختان بنوبه خود با تمام قوا برای جلب آنها مبارزه میکنند، از اینرو جلب تمام روشنفکران مترقی بدائرة نفوذ حزب ما سیاست مهم و ضروری ماست.

۹ - در تبلیغات ما، باید از برنامه زیرین الهام گرفت: الف - عملی ساختن "وصایای دکتر سون یاتسن": برانگیختن توده‌های مردم برای مبارزه یکدلانه علیه ژاپن. ب - عملی ساختن اصل ناسیونالیسم: مقاومت مصممانه بر ضد امپریالیسم ژاپن، در سیاست خارجی نیل به رهائی کامل ملت چین، در سیاست داخلی نیل به تساوی همه ملیت‌های درون کشور. ج - اجرای اصل دموکراسی: تأمین آزادی مطلق برای خلق در مقاومت علیه ژاپن بخاطر نجات میهن، انتخاب ارگانهای دولت در کلیه مدارج بدست خلق، استقرار قدرت انقلابی و دموکراتیک جبهه متحد ملی ضد ژاپنی. د - اجرای اصل رفاه خلق: لغو مالیات‌ها و عوارض کمرشکن

و تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود ، برقراری هشت ساعت روز کار ، توسعه کشاورزی ، صنایع و بازرگانی و بهبود شرایط زندگی خلق . . ه - اجرای اظهاریه چانکایشک درباره اینکه "هرکس از پیر تا جوان ، در شمال یا در جنوب ، باید مسئولیت مقاومت در برابر ژاپن و دفاع از سرزمین میهن را برعهده بگیرد" . همه اینها در جزو برنامه‌ای است که خود گومیندان انتشار داده‌است و در عین حال برنامه مشترک گومیندان و حزب کمونیست را تشکیل میدهد . ولی امروز گومیندان قادر نیست این مطالبات را بااستثنای مقاومت ضد ژاپنی عملی گرداند ؛ و فقط حزب کمونیست و نیروهای مترقی میتوانند این برنامه را بموقع اجراء گذارند . این ، بدوی ترین برنامه است که هم اکنون بمیزان وسیع در میان مردم پخش شده‌است ، اما بسیاری از اعضاء حزب کمونیست هنوز درک نمیکنند که باید از آن بمشابه سلاحی برای بسیج توده‌های مردم و منفرد ساختن سرسختان استفاده کنند . از این پس لازم است که همه پنج ماده این برنامه در همه حال در تبلیغات مورد استفاده قرار گیرد و در خطاییه‌ها ، اظهاریه‌ها ، تراکت‌ها ، مقالات ، سخنرانیها ، مصاحبه‌ها وغیره بااطلاع عموم برسد . پنج ماده مذکور در مناطق گومیندان فقط برنامه تبلیغات است ولی در مناطقی که ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید بانجا وارد میشوند برنامه عمل است . اقدام ما در اجرای این برنامه اقدامی قانونی است و مخالفت سرسختان با ما در این امر اقدامی غیر قانونی است . این برنامه گومیندان علی‌الاصول با برنامه ما در مرحله انقلاب بورژوا - دموکراتیک منطبق است ؛ ولی سیستم ایدئولوژیک گومیندان از ریشه با سیستم ایدئولوژیک حزب کمونیست متفاوت است . از اینجهت ما فقط باید این برنامه مشترک انقلاب دموکراتیک را بموقع اجرا بگذاریم بدون آنکه در هیچ حالی از سیستم ایدئولوژیک گومیندان پیروی کنیم .

نیروهای ضد ژاپنی

را جسورانه گسترش دهیم .

حملات سرسختان ضد کمونیست

را دفع کنیم

(۱۹۴۰ - ۱۹۴۱)

ما باید در کلیه مناطق پشت جبهه دشمن و در مناطق عملیات جنگی، نه جبهه‌های خاص هر یک از آنها بلکه جبهه‌های مشترک همه آنها را در درجه اول در مد نظر قرار دهیم؛ در غیر این صورت ممکن است به خطای فاحش دچار آئیم. خواه در شمال، در مرکز و یا در جنوب چین، خواه در شمال و یا در جنوب رودخانه یان تسه، خواه در مناطقی دشت‌ها، کوه‌ها و یا دریاچه‌ها، خواه در ارتش هشتم، ارتش چهارم جدید و یا واحدهای پارتنیوانی چین جنوبی (۱)، در همه جا ویژگی‌هایی وجود دارد ولی در همه

مبنی حاضر رهنمودی خطاب به بوروی کمیته مرکزی در جنوب شرقی است که رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم کرده است. در دوره‌ای که رفیق مائو تسه دون این رهنمود را نگاشت، رفیق سیان بین، عضو کمیته مرکزی حزب و دبیر بوروی کمیته مرکزی در جنوب شرقی، شدیداً دستخوش نظریات

جا جنبه‌های مشترك نیز هست. همه جا با دشمن رو برو هستیم و همه جا جنگ مقاومت در جریان است. از اینجهت در همه جا میتوانیم نیروهای خود را گسترش دهیم و در همه جا باید باین کار پردازیم. کمیته مرکزی تا کنون در مورد سیاست گسترش نیروها جنبه‌ای پلورانه شما رهنمود داده است. گسترش نیروها باین معنی است که به محدودیتهایی که گومیندان وضع میکند توجه نکنیم. از چهارجوبی که ممکن است بوجود آید موافقت گومیندان قرار گیرد قدم فراتر گذاریم، از هیچ کس دیگر منتظر انتصاب نباشیم، در تأمین نیازمندیهای مادی خویش بامید مقامات بالا نایستیم، مستقلانه و مسورانه واحدهای ارتش را افزایش دهیم، جازمانه به ایجاد پایگاهها دست بزنیم، توده‌ها را در سرزمین این پایگاهها مستقلانه و با رأی خود بسیج کنیم، ارگانهای قدرت سیاسی جنبه متحد ژاپنی را که تحت رهبری حزب کمونیست عمل کنند بوجود آوریم و در کلیه مناطق اشغالی دشمن به پیش برانیم. مثلاً در استان حیوان سو ما باید علی‌رغم اعتراض‌ها، تعدی‌ها و فشارهایی که از طرف عناصر ضد کمونیست نظیر گو جو تون، لن سین و خان ده چینگ (۲) وارد میشود، در سرزمینی که از نانکن در مغرب تا سواحل دریا در مشرق، از خان جو در جنوب تا سیو جو در شمال گسترده شده است با سرعت هر چه تمامتر، بطور پیگیر و طبق نقشه به برقراری نظارت خویش، در هر جا که ممکن باشد، پردازیم، مستقلانه و با رأی خود

انحراف راست بود. وی رهنمود کمیته مرکزی را جازمانه بموقع اجرا نمیگذاشت. در بسیج کامل توده‌ها جسارت بکار نمیبرد، در توسعه مناطق آزاد شده و نیروهای مسلح خلق در مناطق اشغالی ژاپنی‌ها جرأت نشان نمیداد، خطر تعرض ارتجاعی گومیندان را که از ژاپنی میکرد و از اینجهت از لحاظ روحی و سازمانی برای دفع تعرض بلاگور آماده نگذاشت. رفیق چن ای، عضو بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

واحدهای ارتش خویش را گسترش دهیم ، ارگانهای قدرت بوجود آوریم ، ارگانهای مالی ایجاد کنیم ، برای تأمین نیازمندیهای مقاومت علیه ژاپن به جمع مالیات دست بزنیم ، ارگانهای اقتصادی برپای سازیم ، کشاورزی ، صنایع و بازرگانی را توسعه بخشیم ، بنگاههای مختلف آموزشی افتتاح کنیم و به پرورش کادرها بتعداد کثیری پردازیم . کمیته مرکزی خواهان آن بود که شما تعداد نیروهای مسلحی را که در استانهای جیان سو و جه جیان در پشت جبهه دشمن با تجاوزکاران ژاپنی به نبرد مشغول‌اند در طول سال جاری به ۱۰۰ هزار نفر با همانقدر تفنگ رسانید و بدون تأخیر به ایجاد ارگانهای قدرت در آنجا پردازید ، وغیره . شما در مورد این رهنمود چه اقدامات مشخصی اتخاذ کرده‌اید ؟ در گذشته شما دیگر فرصت مناسب را از دست فرو گذاشتید ، اگر امسال باز هم فرصت از دست بدهید ، تحقق این خواست‌ها دشوارتر خواهد شد .

۲ - اینک که سرسختان ضد کمونیست گومیندان عنودانه به اجرای سیاست جلوگیری از فعالیت حزب کمونیست ، تحدید حزب کمونیست و مبارزه با حزب کمونیست مشغول‌اند و باین طریق برای تسلیم در برابر ژاپن زمینه می‌چینند ، ما باید بر مبارزه تکیه کنیم و نه بر توحید ؛ عمل کردن غیر از این خطای فاحشی است . از اینجبهت خواه در زمینه تشوریک ، خواه در زمینه سیاسی و خواه در زمینه نظامی ، موضع ما اصولاً باید عبارت

کمیته مرکزی ، بیدرنگ با اجرای آن پرداخت ؛ ولی رفیق سیان بین باز هم از این کار خودداری کرد و همچنان از تدارک در برابر تعرض احتمالی ارتجاعی گومیندان باز ایستاد ، بالنتیجه آنگاه که چانکایشک در ژانویه ۱۹۴۱ در جنوب استان ان هوی به برانگیختن حادثه دست زد رفیق سیان بین ناتوان ماند ، ارتش ما در جنوب ان هوی که رویهم رفته ۹ هزار نفر داشت ، یکباره از هم پاشید و خود رفیق سیان بین بدست مرتجعان بقتل آمد .

باشد از مقاومت قاطع و مبارزه قاطع در برابر کلیه قوانین و فرمان‌ها ، تبلیغات و اعتراض‌های سرسختان ضد کمونیست گومیندان که هدف آنها جلوگیری از فعالیت حزب کمونیست ، تحدید حزب کمونیست و مبارزه با حزب کمونیست است . این مبارزه ما باید از این اصول الهام گیرد :

حق داشتن ، سود جستن و اندازه نگه داشتن یعنی اصول دفاع از خود ، پیروزی و متارکه ؛ عبارت دیگر در زمان حاضر هر يك از مصاف‌های مشخص باید خصیلت دفاعی ، محدود و موقتی داشته باشد . ما باید در برابر کلیه قوانین و فرمان‌ها ، تبلیغات و اعتراض‌های ارتجاعی سرسختان ضد کمونیست با اتخاذ تاکتیک مشت در مقابل مشت بمبارزه قاطع برخیزیم .

مثلاً ، آنها از ما میخواهند که قسمت‌های چهارم و پنجم (۲) رهسپار جنوب گردند ، ما در پاسخ آنها بطور قطع از این کار سر می‌پیچیم ؛ آنها از ما میخواهند که واحدهای یه فی و جان یون ای (۴) به جنوب اعزام شوند ، ما بخواست آنها با این خواهش جواب می‌گوئیم که بگذارند قسمتی از واحدهای دیگر خود به شمال عزیمت کنند ؛ مدعی میشوند که ما نظم سربازگیری را بهم می‌زنیم ، ما در پاسخ آنها خواهش میکنیم که بگذارند منطقه سربازگیری ارتش چهارم جدید توسعه یابد ؛ می‌گویند که تبلیغات ما اشتباه‌آمیز است ، ما از آنها میخواهیم که از تبلیغات ضد کمونیستی دست بردارند و کلیه فرامینی را که باعث بروز اصطکاکات است ملغی گردانند ؛ هرگه به تعرض نظامی بر علیه ما دست می‌زنند ، ما برای درهم شکستن آن به تعرض نظامی متقابل مبادرت می‌جوئیم . در اجرای این سیاست مشت در برابر مشت ، همیشه حق بجانب ما خواهد بود . باید نظیر اینگونه اقدامات محقانه نه فقط از طرف کمیته مرکزی حزب بلکه از طرف هر بخشی از ارتش ما بعمل آید . نمونه درخشان این گونه اقدامات در آن مورد بظهور رسید که جان

یون ای و لی سیان نیان جداگانه در برابر رؤسای خویش ، لی پین سیان و لی زون ژن با اعتراض برخاستند (۵) . فقط با اتخاذ چنین روش قاطعی نسبت به سرسختان و فقط با بکار بردن اصول حق داشتن ، سود جستن و اندازه نگهداشتن در مبارزه ، میتوان سرسختان را چنان ترسانید که جرأت آزار ما از آنها سلب شود ؛ فقط باین طریق میتوان فعالیت سرسختان را در جلوگیری از فعالیت حزب کمونیست ، تحدید حزب کمونیست و مبارزه با حزب کمونیست کاهش داد ؛ فقط باین طریق میتوان سرسختان را واداشت که موقعیت قانونی ما را برسمیت بشناسند ؛ فقط باین طریق میتوان باین نتیجه نائل آمد که سرسختان باسانی به انشعاب توسل نجویند . از این جهت مبارزه مهمترین وسیله است در غلبه بر خطر تسلیم طلبی ، در ایجاد تحول مساعد در وضع حاضر ، و در تحکیم همکاری گومیندان و حزب کمونیست . اگر سخن بر سر حزب ما و ارتش ماست باید گفت که فقط مبارزه راسخ با سرسختان بما امکان میدهد که روحیه ها را بالا ببریم و دلیری ها را برانگیزیم ، کادرهای خود را متحد گردانیم ، نیروهای خود را بیفزائیم ، ارتش را تقویت و حزب را تحکیم کنیم . اگر سخن بر سر مناسبات ما با نیروهای بینابینی است باید گفت که فقط مبارزه راسخ با سرسختان بما امکان میدهد که بخش متزلزل نیروهای مذکور را بسوی خود جلب کنیم و از بخش دیگر که هوادار ما هستند پشتیبانی بعمل آوریم ، و گرنه این کار غیرممکن است . اگر سخن بر سر واکنش صحیح در برابر حوادث غیرمترقبه ممکن در مقیاس سراسر کشور است در این جا نیز باید گفت که فقط سیاست مبارزه به تمام حزب و ارتش ما امکان میدهد که از لحاظ روانی برای حوادث مذکور آماده باشند و تدابیر لازم در کار خویش اتخاذ کنند . و گرنه اشتباهات سال ۱۹۲۷ (۶) تکرار خواهد شد .

در این باره در ارزیابی اوضاع حاضر باید این نکته را در یافت که از یک سو خطر تسلیم طلبی سخت افزایش یافته و از سوی دیگر امکان غلبه بر این خطر هنوز از میان برنخاسته است. اکنون تصادفات نظامی جنبه محلی دارد و هنوز به سرمایه کشور گسترده نشده است. عملیات حریف (V) هنوزست از اکتشاف استراتژیک، و این هنوز بمعنای گسترش فوری کارزار برداشته "سرکوب کمونیست ها" نیست؛ فقط گام هایی در راه تدارک تسلیم است، ولی هنوز بمعنای تسلیم فوری او نیست. وظیفه ما اینست که سیاست کمیته مرکزی را که یگانه سیاست صحیح است - یعنی "توسعه نیروهای شرقی"، "جلب نیروهای بینایی"، "سفره ساختن سرسختان" - با استواری و نیرومندی بکار بندیم و باین طریق بر خطر تسلیم طلبی فائق آییم و تحول مساعدی در وضع حاضر ایجاد کنیم. اگر در ارزیابی اوضاع حاضر و در طرح وظایف، انحرافات بیچ یا بزیست روی دهد و ما آنها را نشان ندهیم و بر آنها فائق نیائیم، این نیز متضمن خطرات بزرگی خواهد بود.

— عملیات دفاعی قسمت های چهارم و پنجم در مقابل تعرض ارتش های جان ده چینگ و لی زون ژن در بخش شرقی استان ان هوی، عملیات دفاعی متون لی میان نیان در مقابل تعرض ارتش های سرسختان به بخش های مرکزی و شرقی استان حویه، پیکار مصممانه قسمت پون سیوه در منطقه واقع در شمال رودخانه حوای، گسترش واحدهای په پی شمال رودخانه یان تسه و حرکت بیش از ۲۰ هزار تن از رزمندگان شرقی به سوی جنوب، به منطقه واقع در شمال رودخانه حوای،

بخش شرقی استان ان هوی و در بخش شمالی استان جیان سو (A) —

السیانیه فقط کاملاً ضروری و مطلقاً صحیح بود بلکه اقدامات لازم بود تا

در این احوال نباید سبکسرانه به حمله بر شما در مناطق جنوبی استانهای

آن هوی و جیان سو مبادرت جودید. بعبارت دیگر، هر چه کامیابیهای ما در شمال رودخانه یان تسه بیشتر باشد، هر چه ما در آنجا بیشتر خود را گسترش دهیم، برای گو جو تون دشوارتر خواهد بود که به عملیات ما جراجویانه در جنوب رودخانه یان تسه دست زند، و برای شما آسانتر خواهد بود که در بخش جنوبی استان آن هوی و بخش جنوبی استان جیان سو بکار خود پردازید. همچنین هر چه ارتش هشتم، ارتش چهارم جدید و واحدهای پارتیزانی چین جنوبی در شمال غربی، در شمال، در مرکز و در جنوب چین بیشتر توسعه یابد، هر چه حزب کمونیست در سراسر چین رشد کند، امکان غلبه بر خطر تسلیم طلبی و ایجاد تحول مساعدی در وضع حاضر بیشتر خواهد شد، و برای حزب ما آسانتر خواهد بود که در سراسر کشور بکار خود پردازد. اشتباه است اگر ضد این ارزیابی پایه قرار داده شود و ضد این تاکتیک پذیرفته گردد، یعنی اشتباه است اگر تصور شود که ما هر چه بیشتر نیروهای خود را گسترش دهیم، آنها زودتر عازم تسلیم خواهند شد، و یا هر چه ما بیشتر عقب نشینی کنیم، آنها علیه ژاپن مصممانه تر مقاومت خواهند کرد، و یا اگر تصور شود که هم اکنون زمان اشعاب در مقیاس سراسر کشور فرا رسیده و دیگر همکاری گومیندان و حزب کمونیست غیرممکن گردیده است.

۵ - سیاستی که ما در سراسر کشور در جنگ، مقاومت ضد ژاپنی اتخاذ کرده ایم سیاستی است مثبتی بر جنبه متحد ملی ضد ژاپنی، ایجاد مناطق پایگاهی دموکراتیک ضد ژاپنی در پشت جنبه دشمن نیز بر اساس این سیاست تحقق می پذیرد. شما باید تصمیمات کمیته مرکزی را در مسئله قدرت سیاسی اکیداً بموقع اجرا بگذارید.

۶ - باید سیاست ما در مناطق تحت سلطه گومیندان از سیاست ما

در مناطق عملیات جنگی و در مناطق پشت جبهه دشمن تفاوت داشته باشد. سیاست ما در مناطق تحت سلطه گومیندان مبتنی است بر محضی کار فشرده گی، کار طولانی در حالت محضی، جمع آوری نیرو و انتظار فرصت مناسب در اینجا باید از شتابزدگی و لو رفتن اجتناب ورزید. در اینجا تا زمان مبارزه با سرسختان در آن است که بر اساس اصول حق داشتن، شود محضی و اندازه نگهداشتن، و در دایره های که قوانین و فرامین گومیندان و سنت های اجتماعی مجاز میسرود بطور استوار و مطمئن به مبارزه پردازیم و نیرو جمع کنیم. آنکه که گومیندان اعضای حزب ما را به ورود به گومیندان وارد میسازد باید وارد آن شوند؛ باید در سازمانهای یائو و جا، سازمانهای آموزشی، اقتصادی و نظامی در محل ها وسیعاً نفوذ کرد؛ در واحدهای ارتش مرکزی و در قوای نظامی "بلخه" (۹) باید کارهای مربوط به جبهه متحد یعنی استقرار مناسبات دوستانه را وسیعاً گسترش داد. در کلیه مناطق گومیندان، سیاست اصلی حزب ما نیز در آنست که نیروهای مترقی را گسترش دهیم (سازمانهای حزبی و جنبش توده های را توسعه بخشیم)، به جلب نیروهای بینایی (مجموعاً هفت دسته یعنی بورژوازی ملی، منتقدین روشن بین، قوای نظامی "بلخه"، گروه های بینایی گومیندان (۱۰)، عناصر بینایی در ارتش مرکزی (۱۱)، قشر بالائی خرده بورژوازی، انواع احزاب و گروه های کوچک) پردازیم، سرسختان را منفرد سازیم و باین طریق بر خطر تسلیم طلبی قائل آئیم و بایجاد تحول مساعدی در وضع حاضر برسیم. در عین حال باید برای مقابله با هر حادثه غیرمترقبه ممکن محلی و یا بمقیاس سراسر کشور کاملاً آماده باشیم. سازمان های حزب ما در مناطقی گومیندان باید اکتفا محضی باشد. باید کارکنان بورژوازی کمیته مرکزی در جنوب

شرقی (۱۲) و کلیه کمیته‌های ایالتی، کمیته‌های ویژه، کمیته‌های
 شهرستانی، کمیته‌های بخش (از دیران گرفته تا آسپزان) یکایک تحت واری
 قبی و اکید قرار گیرند، بهیچوجه جایز نیست که اشخاصی که مورد کمترین
 توجه وطن باشند در ارگانهای رهبری درجات مختلف باقی بمانند. باید از کادرها
 همه گونه پاسداری کرد، اگر برای کادرهایی که در وضعیت علنی یا
 نیمه علنی بسر میبرند این خطر پیش آید که از جانب گومیندان گرفتار
 آیند و قتل برسند، باید آنها را به مناطقی دیگر منتقل ساخت و بحالت مخفی
 در آورد و یا به کار در ارتش فرستاد. سیاست ما در مناطق اشغالی
 ژاپنی‌ها (شهرهای بزرگ، شهرهای متوسط و کوچک و روستاها مانند
 شانگهای، نانکن، او هو، او می وغیره) علی‌الاصول همان است که در
 مناطق گومیندان.

۷ - از رقبای بوروی کمیته مرکزی در جنوب شرقی و از شعبه
 کمیسیون نظامی انقلابی در جنوب شرقی دعوت میشود که رهنمودهای
 تاکتیکی فوق را که بتصویب جلسه کنونی بوروی سیاسی کمیته مرکزی
 رسیده است مورد بحث قرار دهند، آنها را باطلاع کلیه کادرها - اعم از
 حزبی و ارتشی - برسانند و مصممانه بهوق اجرا در آورند.

۸ - مطلع ساختن کادرها از رهنمود حاضر در بخش جنوبی استان
 آن هوی بر عهده رفیق میان بین و در بخش جنوبی استان جیان سو بر عهده
 رفیق جن ای است. بحث درباره رهنمود و ابلاغ آن باید در عرض یک ماه
 پس از دریافت آن پایان پذیرد. رفیق میان بین مأموریت دارد که
 طبق سیاست کمیته مرکزی کار حزبی و ارتشی را بطور همه‌جانبه ترتیب
 دهد و نتیجه امر را به کمیته مرکزی گزارش دهد.

یادداشتها

۱ - واحدهای پارتیزانی چین جنوبی اسم کلی چندین واحد پارتیزانی است که در جنوب چین تحت رهبری حزب کمونیست چین بر علیه تجاوزکاران ژاپنی عمل میکردند .

۲ - اینها ژنرالهای مرتجعی بودند که بوسیله دولت گومیندان به استانهای جیان سو ، جه جیان ، آن هوی جنوبی و جیان سی اعزام شدند .

۳ - اشاره است به قسمت‌های چهارم و پنجم ارتش چهارم جدید که در آن هنگام در منطقه رودخانه حوای در محلالتصاق استانهای جیان سو و آن هوی پایگاههای ضد ژاپنی را ایجاد میکردند .

۴ - اشاره است به بخش‌هایی از ارتش چهارم جدید تحت رهبری رفقا به فی و جان یون ای که در آن هنگام در منطقه شمالی رودخانه یان تسه یعنی در بخش مرکزی استان جیان سو و در بخش شرقی استان آن هوی بجنگ پارتیزانی بر علیه تجاوزکاران ژاپنی مشغول بودند و بایجاد پایگاههای ضد ژاپنی بپرداختند .

۵ - در مارس - آوریل ۱۹۴۰ لی پین سیان ، صدر دولت گومیندان در استان آن هوی ولی زون ژن فرمانده پنجمین منطقه جنگی (که هر دو از دیکتاتورهای نظامی داروهمته گوان سی بودند) به تعرض پرداخته بر واحدهای ارتش چهارم جدید که در نواحی مرزی بین استانهای آن هوی و حوبه قرار داشتند دست زدند . رفیق جان یون ای فرمانده واحدهای ارتش چهارم جدید در منطقه شمالی رودخانه یان تسه ، و رفیق لی سیان نیان فرمانده ستون حمله خوا به - حه نان شدیداً باعتراض بر این عملیات بزهکارانه که هدفش تخریب در مقاومت ضد ژاپنی بود برخاستند و ارتش‌های لی پین سیان و لی زون ژن را دفع کردند .

۶ - اشاره است به اشتباهات چن دوسیو که از اپورتونیسیم راست سرچشمه میگرفت .

۷ - اشاره است به سرسختان گومیندان که چانگ‌کایشک در رأس آنها بود .

۸ - در ژانویه ۱۹۴۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بمنظور تقویت

ارتش چهارم جدید که بر علیه تجاوزکاران ژاپنی در منطقه شمالی رودخانه حوای در بخش شرقی استان آن هوی ، و بخش شمالی جیان سو بیکار میکرد بیش از هزار جنگ آور ارتش هشتم را از شمال چین به جنوب گسیل داشت و آنها را بحال

استان جیان سو وارد شدند .

۹ - دارودسته چانگایشک سپاهیان شخصی خود را " ارتش مرکزی " و سپاهیان سایر دارودسته‌های گومیندان را قوای نظامی " ملغمه " مینامید . قوای نظامی " ملغمه " از طرف دارودسته چانگایشک در معرض تبعیض قرار داشت و نیازمندیهای آنها بدتر از " ارتش مرکزی " تأمین میشد .

۱۰ - اشاره است به آن گروهها و آن اشخاصی از گومیندان که تا مدتی در مبارزه با حزب کمونیست فعالیت خاصی نداشتند و یا موضع بیطرفی اختیار میکردند .

۱۱ - اگرچه " ارتش مرکزی " گومیندان ارتش شخصی چانگایشک بشمار می‌آمد ، برخی از افسران و بعضی از واحدهایش در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی در مبارزه با حزب کمونیست فعالیت خاصی نشان نمی‌دادند و یا موضع بیطرفی اختیار میکردند . در اینجا " عناصر بینایی در ارتش مرکزی " بخصوص بآنها اشاره میشود .

۱۲ - بوروی کمیته مرکزی در جنوب شرقی ، از ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۱ در جنوب شرقی که بر استانهای جیان سو ، چه جیان ، ان هوی ، جیان سی ، خوبه و خونان شامل میشد ، رهبری امور را بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در دست داشت .

www.KetabFarsi.com

بهاداری وحدت تا آخر

(ژوئیه ۱۹۴۰)

سومین سالگرد آغاز جنگ مقاومت ضد ژاپنی مصادف است با نوزدهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست چین . ما کمونیستها امروز که سومین سالگرد جنگ مقاومت را تجلیل میکنیم ، مسئولیت خویش را با نیروی خاصی حس میکنیم . مسئولیت مبارزه بخاطر بقاء ملت چین ، بر دوش همه احزاب و گروههای ضد ژاپنی و همچنین بر دوش خلق سراسر کشور است ، ولی ما کمونیستها بر آنیم که این مسئولیت بیش از همه بر دوش ماست . کمیته مرکزی حزب ما اعلامیه‌ای درباره اوضاع کنونی انتشار داده که مضمون عملدهاش عبارتست از دعوت بهجنگ مقاومت تا آخر و وحدت تا آخر . امیدواریم که این اعلامیه مورد تأیید کلیه احزاب و ارتشهای دوست و قاطبه خلق قرار گیرد . بویژه برعهده کلیه اعضای حزب کمونیست است که سیاستی را که این اعلامیه مقرر میدارد ، با جدیت بموقع اجرا در آورند .

همه کمونیستها باید بدانند که فقط از راه ادامه جنگ مقاومت تا آخر میتوان به وحدت تا آخر نائل آمد و فقط بشرط وحدت تا آخر میتوان جنگ مقاومت را باخر رسانید . از اینجهت کمونیستها باید هم در جنگ مقاومت و هم در وحدت نمونه باشند . ما فقط با دشمن ، با تسلیم‌طلبان و ضد

برسد . هر فردی ، هر که باشد ، همینقدر که تسلیم طلب و ضد کمونیست نباشد ، میتواند در کار ارگانهای دواتی شرکت جوید . هر حزبی و هر گروهی ، همینقدر که تسلیم طلب و ضد کمونیست نباشد ، تحت قدرت سیاسی ضد ژاپنی باید حق موجودیت و فعالیت داشته باشد .

در مسئله ارتش ، در اعلامیه حزب ما گفته شده است : ما این تصمیم را همچنان مراعات خواهیم کرد که "در ارتشهای دوست بایجاد سازمانهای حزبی دست نزنیم" . هر جا که سازمانهای حزبی محلی هنوز این تصمیم را بطور اکید مراعات نمیکنند ، لازم است که بیدرنگ باصلاح وضع برخیزند . با کلیه ارتشهایی که به اصطکاکات نظامی علیه ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید دست نمیزنند باید رفتاری دوستانه داشت . با ارتشهایی که سابقاً اصطکاکاتی علیه ما برمیآنگیختند ، اگر از چنین اعمالی دست بکشند ، نیز باید به استقرار مجدد مناسبات دوستانه پرداخت . اینست اجرای سیاست جبهه متحد در مسئله ارتش .

بمنظور تأمین نیازمندیهای مقاومت در برابر ژاپن لازم است که در زمینه های امور مالی ، اقتصاد ، فرهنگ ، آموزش و پرورش و در امور امحای عمال دشمن با اجرای سیاست جبهه متحد براساس جرح و تعدیل منافع طبقات مختلف اقدام شود و از يك سو با اپورتونیسیم راست و از سوی دیگر با اپورتونیسیم "چپ" مبارزه بعمل آید .

خصوصیت اوضاع بین المللی کنونی در اینست که جنگ امپریالیستی بر سراسر جهان گسترده میشود و بحران نهایت وخیم سیاسی و اقتصادی که زائیده جنگ امپریالیستی است ، ناگزیر به افروختن انقلاب در بسیاری از کشورها میانجامد . ما دوران نوین جنگها و انقلابها را از سر میگذرانیم . اتحاد شوروی که بگرداب جنگ امپریالیستی کشانده نشده است ، پشتیبان